

تدبّر در قرآن از دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام)

<?xml encoding="UTF-8">

قرآن کریم مهم‌ترین و کامل‌ترین کتاب آسمانی برای هدایت انسان به سوی کمال واقعی است که از سوی خدا بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نازل شده است. 1 چرا که قرآن کریم، تجلّی علم الهی در روی زمین است. 2 و بر این اساس، مسلماً ایمان به محتوا و اعتقاد به هدایت بخشی آن و ارتباط با مضامین بلند آن، بهره‌مندی از علم الهی در جهت سعادت و فلاح ابدی انسان را در پی دارد.

اما اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که چهره دیگر علم الهی هستند، طبعاً واجد همه حقائق قرآن و به منزله روح آن کتاب مقدّس الهی هستند. از این رو بر ظاهر و باطن، تفسیر و تأویل، محکم و متشابه و عامّ و خاصّ قرآن کریم آگاهی کامل دارند؛ بلکه آن حضرات، مکملان، مترجمان و بیان کنندگان واقعی آن جلوه بارز علم الهی نیز هستند. همان طوری که وقتی سَدّیر از راویان حدیث، از امام باقر علیه السلام در مورد جایگاه امامان علیهم السلام نسبت به هدایت مردم و نقش سازنده آنان سؤال می‌کند که: شما کیستید؟ آن حضرت می‌فرماید:

نَحْنُ خُزَّانُ عِلْمِ اللَّهِ وَ نَحْنُ تَرَاجِمَةُ وَحْيِ اللَّهِ 3؛ ما (اهل بیت) خزینه‌های دانش خداوند و بیان کنندگان وحی الهی هستیم.

بنابراین، ائمه علیهم السلام هم بر حقائق قرآن احاطه دارند و هم مترجمان و بیان کنندگان واقعی آن می‌باشند. آنان مفسّران کلام حقّ تعالی به زبان بشری برای انسان‌ها هستند. 4 آنان هم بر راز و رمزهای قرآن آگاهی دارند و هم بر راه‌های استفاده از آن احاطه دارند. از این رو در مواقع مختلف، مردم را به جایگاه بلند قرآن و نقش اساسی آن در هدایت و سعادت انسان‌ها آگاه می‌کردند و راه‌های بهره‌برداری از آن را نیز گوشزد می‌کردند.

تدبّر، راه استفاده از قرآن

از مهم‌ترین راه‌هایی که با طيّ آن هر کس می‌تواند بنابر ظرفیت وجودی، توان و همّت خود از معارف، آموزه‌ها، لطائف و حقائق قرآن استفاده کند، و معصومان علیهم السلام بر آن تکیه فراوان دارند، تدبّر در آیات قرآن است؛ به ویژه آیاتی که بیان کننده معارف مبدأ و معاد، عقائد، اخلاق، جامعه‌شناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی می‌باشند و در بردارنده کلیدی از کلیدهای گره گشای مشکلات انسان در مسیر به سوی خداوند متعال می‌باشند.

معنای تدبّر

تدبّر از ریشه دَبَر به معنای پشت سر و عاقبت چیزی است. بنابراین، تدبّر به معنای اندیشیدن در عاقبت کارها، عواقب امور و نتایج عملکردها است و نتیجه‌اش کشف حقائق و مسائلی است که بدون آن اندیشیدن به دست آوردنش میسر نمی‌باشد. به عبارت دیگر، تدبّر به معنای اندیشه عمیق و پیایی و مستمر در ورای ظاهر گفتارها، نوشته‌ها و اعمال انسان، برای روشن شدن چهره واقعی و ظاهر شدن باطن امور می‌باشد. 5

تدبّر، يك معنای خاص‌تر از تفكّر دارد؛ چرا که تدبّر، ژرف اندیشی و دقّت نظر در نتایج، سرانجام‌ها، عواقب رفتارها، پدیده‌ها، شیوه‌های زندگی و به طور کلی نظر عمیق انداختن به سرنوشت آینده انسان و جهان مربوط به اوست. و

اما تفکّر، معنای وسیعتری دارد؛ چرا که در تفکّر، علاوه بر اندیشیدن در عواقب و آثار و معلول‌ها، شامل اندیشه در علل و اسباب و روابط پدیده‌ها نیز می‌شود. و به طور خلاصه، تدبّر، دقّت پیاپی در عواقب و نتایج امور است و اما تفکّر، اندیشه در علل و دلائل می‌باشد.6

معنای تدبّر در آیات قرآن

و اما تدبّر در آیات قرآن که هم از ناحیه خود قرآن به آن سفارش شده است7 و هم از طرف معصومان علیهم السلام بر آن تأکید بسیار شده است، عبارت است از کاوش و دقّت نظر در کشف مفاهیم و روابط ناپیدای موجود در هر یک از آیات و ارتباط آیات با یکدیگر و ارتباط آیه‌ای از یک سوره با آیه و آیات دیگر در سوره‌های دیگر. تدبّر در قرآن؛ یعنی تلاوت آیات قرآن و عبور از الفاظ آن و رسیدن به عمق معنا، پیام‌ها، درس‌ها، اندازها، تبشیرها و رهنمودهای آن؛ به طوری که علی‌علیه السلام می‌فرماید:

تَدَبَّرُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَاعْتَبِرُوا بِهِ فَإِنَّهُ أْبْلَغُ الْعِبَرِ8؛ در آیات قرآن تدبّر کنید و به وسیله آن عبرت گیرید. چرا که تدبّر در آن رساترین عبرت‌هاست.

در این روایت علوی، تدبّر با اعتبار قرین شده است و این، نشان می‌دهد که تدبّر يك نوع تأمل، دقّت نظر و اندیشه در وسیله (که همان آیات است) برای رسیدن به يك هدف بلند است. از این رو حضرت، کلام خود را به ابلاغ العبر تعلیل کرد تا بفهماند قرآن بهترین محلّ عبور است؛ عبور قاری قرآن از الفاظ و عبارت و رسیدن به عمق معانی و شناختِ موجباتِ سعادت و هدایت.

بنابراین، حقیقتِ تدبّر در آیات قرآن همان تلاوت راستین آن است که از قرائت آیات شروع و با تأمل و تعمّق در معنا و پیام‌ها و خواسته‌ها، ادامه می‌یابد و با تعهّد و التزام و عمل به مضامین آنها، ختم می‌گردد. همان طور که امام باقرعلیه السلام در مورد رعایت کنندگان حقّ تلاوت و به عبارتی تلاوت کنندگان حقیقی که مراحل سه گانه قرائت، تأمل و عمل را شامل می‌شود و در آیه الذین آتینا هم الکتاب یتلونه حقّ تلاوته اولئک یؤمنون به 9؛ ذکر شده است، می‌فرماید:

يَتْلُونَ آيَاتِهِ وَ يَتَفَقَّهُونَ فِيهِ وَ يَعْمَلُونَ بِأَحْكَامِهِ، يَرْجُونَ وَعْدَهُ وَ يَخَافُونَ وَعِيدَهُ وَ يَعْتَبِرُونَ بِقَصَصِهِ وَ يَأْتِمِرُونَ بِأَوَامِرِهِ وَ يَنْتَهُونَ بِنَوَاهِيهِ، مَا هُوَ وَاللَّهُ حِفْظُ آيَاتِهِ وَ دَرَسُ حُرُوفِهِ وَ تِلَاوَةُ سُورِهِ وَ دَرَسُ أَغْشَارِهِ وَ أَخْمَاسِهِ10؛ حَفْظُوا حُرُوفَهُ وَ أَضَاعُوا حُدُودَهُ وَ إِنَّمَا هُوَ تَدَبُّرُ آيَاتِهِ وَالْعَمَلُ بِأَحْكَامِهِ.

قالَ اللَّهُ تَعَالَى: کتاب انزلناه مبارک لیَدَّبَرُوا آیاته 11 - 12؛ (تلاوت کنندگان واقعی) کسانی هستند که قرآن را تلاوت می‌کنند و در آن تفقّه و تأمل عمیق می‌کنند و به احکام آن عمل می‌کنند، به وعده‌های آن امیدوارند و از وعید آن می‌ترسند و به وسیله قصّه‌های آن عبرت می‌گیرند و از اوامر آن، فرمان می‌برند و از نواهی آن نهی می‌پذیرند. به خدا قسم! حقّ تلاوت، (تنها) حفظ کردن آیات و حروف آن و قرائت سوره‌ها و بخش‌های ده گانه و پنج گانه آن نیست تا حروف قرآن را حفظ کرده باشند و حدود آن را ضایع؛ بلکه حقّ تلاوت، همان تدبّر در آیات و عمل به احکام آن است. خداوند تعالی می‌فرماید: ما کتابی مبارک به سوی تو نازل کردیم تا در آیات آن تدبّر شود.

فرق تدبّر و تفسیر

تدبّر با تفسیر از جهات گوناگون فرق دارد. چرا که در تدبّر همه اقشار مردم حتّی منافقان، مشرکان13، در هر مرتبه از فهم و علم که باشند، شرکت دارند و همین که به اندازه ظرفیت وجودی خود از قرآن بهره‌مند شوند،

صدق تدبّر می‌کند و حال آنکه تفسیر اختصاص به کسانی دارد که در فهم مطالب و مضامین آیات قرآن، دارای مرتبه اجتهاد هستند. 14

در تدبّر، علاوه بر به کارگیری فکر و اندیشه، دل دادن به محتوای آیات و التزام به آنها نیز شرط است و اما در تفسیر، تنها يك جریان فکری برای کشف حقائق قرآنی می‌باشد. 15

در تدبّر، توجّه اصلی به نتایج و پی‌آمدها و لوازم آیات می‌باشد و اما در تفسیر، همه جوانب آیات مورد بحث قرار می‌گیرد.

در تدبّر، تلاوت کننده قرآن، خود را مخاطب آیات قرآن می‌داند و سعی می‌کند از تبشیرها، تذارها، و پیام‌های قرآن اثری در خود مشاهده کند و اما در تفسیر، چنین امتیازی نیست.

سفارش ائمه‌علیهم السلام به تدبّر در قرآن

اهل بیت علیهم السلام با بیان‌های متنوع مردم را به تدبّر در آیات قرآن فراخوانده‌اند. گاه با کنایه و گاه به طور تصریح با الفاظی همچون: تدبّر، تفکّر، نظر، تأمل و تفقّه، هدایت جویان کوی سعادت را به اندیشیدن در آیات قرآن تشویق و ترغیب کرده‌اند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَنَازِلُ الْهُدَى وَ مَصَابِيحُ الدُّجَى فَلْيَجْلُ جَالِ بَصَرَهُ وَ نَفْتَحْ لِلضِّيَاءِ، نَظَرَهُ فَإِنَّ التَّفَكَّرَ حَيَاةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ؛ 16

همانا قرآن (کتابی) است که در آن جایگاه نور هدایت و چراغ‌های شب تار است. پس شخص تیزبین باید که در آن دقت نظر کند و برای پرتوش نظر خویش را بگشاید. زیرا که اندیشه کردن، زندگانی و مایه حیات قلب بینا است. چنانکه آنکه جویای روشنایی است، در تاریکی‌ها به سبب نور راه پیماید.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

وَ تَعْلَمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ تَفْقَهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ؛ 17

قرآن را فراگیرید، زیرا قرآن بهترین حرف نو است و در آن اندیشه عمیق کنید، زیرا آن بهار قلب‌هاست و به وسیله نور آن شفا گیرید، زیرا آن شفای سینه‌هاست.

همه روایاتی که کیفیت و آداب تلاوت قرآن، به ویژه با اندوه خواندن قرآن، آرام قرائت کردن و طمأنینه داشتن را بیان می‌کنند، خود نوعی سفارش به تدبّر و ارتباط فکری با مضامین آیات را در خود به همراه دارند؛ چرا که حالت گریه به خود گرفتن و با تأتّی تلاوت کردن، زمینه تدبّر در مضامین آیات را در دل فراهم می‌کند. همان طوری که عبدالله بن سلیمان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد فرمایش خداوند عزّوجلّ وَ رَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً؛ 18 سؤال کردم، که فرمود: امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرمود:

بَيِّنُهُ تَبْيَانًا وَ لَا تَهْذُهُ هَذَا الشَّعْرُ وَلَا تَنْتُرُهُ نَتْرَ الرَّمْلِ وَ لَكِنْ إِفْرَعُوا قُلُوبَكُمْ الْقَاسِيَةَ وَ لَا يَكُنْ هُمْ أَحَدِكُمْ آخِرَ السُّورَةِ؛ 19

(معنای آیه، آن است که) آن را خوب بیان کن و همانند شعر آن را به شتاب نخوان و مانند ریگ آن را پراکنده مساز؛ ولی دلهای سخت خود را به وسیله آن به بیم و هراس افکنید و همّت شما این نباشد که سوره را به آخر برسانید

یعنی همّت خود را در تدبّر و تأمل در آیات و به کار بستن و عمل کردن آنها قرار دهید، نه این که سوره را به آخر رسانید!

و در جای دیگر امام صادق علیه السلام در مورد آهسته خواندن، عدم شتاب در قرائت قرآن و توجّه به محتوای

آیات، می‌فرماید:

إِنَّ الْقُرْآنَ لَا يُفْرَأُ هَذْرَمَةً وَلَكِنْ يُرْتَلُّ تَرْتِيلاً فَإِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ فَقِفْ عِنْدَهَا وَسَلِّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ الْجَنَّةَ وَ إِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ فَقِفْ عِنْدَهَا وَ تَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ 20؛ هر آینه قرآن با سرعت و شتاب نباید خوانده شود و باید هموار و شمرده و با آهنگ خوش خوانده شود و هرگاه به آیه‌ای که در آن نام بهشت برده شده است، گذر کنی آنجا بایست و از خدای عزوجل، بهشت را بخواه و چون به آیه‌ای که در آن ذکر دوزخ است، گذر کنی نزد آن نیز توقف کن و از دوزخ به خدا پناه ببر.

و نیز همه روایاتی که به نحوی قرآن را بهار قلب‌ها، چشمه علم برای علماء مایه حیات و زندگی واقعی قلوب اهل بصیرت و امثال آنها شمرده‌اند، 21 کنایه از سفارش به تدبّر در قرآن کریم می‌باشند؛ چرا که عالمان واقعی و اندیشمندان ربّانی هنگام برخورد با آیات الهی به تدبّر و تفکّر پرداخته، راه‌های هدایت و سعادت را جستجو می‌کنند.

سیره اهل بیت علیهم السلام در قرآن

امامان معصوم علیهم السلام هم چنان که مردم را به تدبّر و تعمّق در آیات قرآن سفارش اکید می‌کنند، خود نیز در آیات آن به تدبّر و دقّت نظر می‌پرداختند و در این راه از خداوند متّان، توفیق طلب می‌کردند. امام صادق علیه السلام قبل از قرائت قرآن، وقتی که آن را در دست می‌گرفتند به خداوند عرض می‌کردند: خدایا! من شهادت می‌دهم این، کتاب توست که از نزد تو بر رسولت محمّد بن عبدالله نازل شده است. و کلام توست که بر زبان پیامبرت جاری شده است. آن را هادی به سوی خلقت قرار داده‌ای و ریسمان متّصل بین خود و بندگان قرار داده‌ای. خدایا! من عهد و کتابت را باز می‌کنم.

خدایا! نظر کردم در قرآن را، عبادت و قرائتم را، فکر و فکر کردم در آن را عبرت‌پذیری قرار ده. مرا از کسانی قرار ده که به وسیله بیان مواعظ تو در قرآن، موعظه می‌پذیرند و از نافرمانی تو پرهیز می‌کنند. و هنگام قرائت کردم، برگوش (دل) من مُهر (غفلت) و بر دیدگانم (قلبم) پرده (جهالت) نکش. و قرائتم را قرائتی که بدون تدبّر در آن باشد، قرار نده، بلکه مرا طوری قرار ده که در آیات قرآن و احکام آن تدبّر کنم به گونه‌ای که شرایع دینت را اخذ کنم. و نظرم را در آن، نظر غفلت و قرائتم را، بیهوده گویی قرار نده. به درستی که تو مهربان و رحیم هستی. 22 در روایت آمده است که امام سجّاد علیه السلام هر وقت آیه شریفه مالک يوم الدّین 23 را قرائت می‌فرمود، آن قدر آن را (باتوجه و تأمل بسیار) تکرار می‌کرد که گویی نزدیک است بمیرد (و با مالک حقیقی روز جزا ملاقات کند). 24

در سیره امام رضا علیه السلام نوشته‌اند که آن حضرت، شب‌ها در بستر خواب مقدار زیادی قرآن می‌خواند و هنگامی که به آیات یادآور بهشت یا جهنّم می‌رسید، بسیار می‌گریست و از خداوند بهشت را مسئلت می‌کرد و از آتش جهنّم به او پناه می‌برد. 25 همان طوری که از جمله برنامه‌های هر شب آن حضرت هنگام سفر به خراسان را، قرائت و تأمل در آیات معاد یاد کرده‌اند. 26

ائمّه علیهم السلام قرآن را با لحن و صوت زیبا قرائت می‌کردند. 27 چرا که صوت نیکو همراه با طمأنینه، قلب را آماده پذیرش مطالب می‌کند و زمینه تدبّر در آیات را فراهم می‌کند.

ابزار و شرایط تدبّر در قرآن

تلاوت

گرچه تلاوت، شرط کافی برای تدبّر در قرآن نیست ولی رعایت آداب آن، از لوازم فهم مقاصد و پیام‌های قرآن کریم می‌باشد.

تکرار آیات

تکرار آیات، در شرایط مناسب روحی، در تعمیق تدبّر بسیار مؤثر است؛ چرا که هیچ گفتار و کرداری نیست مگر اینکه اثر مستقیم بر روی روح دارد و هرچه آن اقوال و اعمال تکرار شوند، آن اثرات تکرار و تشدید می‌شوند. از این رو، ائمه‌علیهم السلام برخی از آیات قرآن کریم، که بار معرفتی بیشتری دارند و صفاتی الهی را بیان می‌کنند را تکرار می‌کردند. همان طوری که در احوال امام صادق علیه السلام آورده‌اند که آن حضرت آیه مالک یوم الدّین را بسیار تکرار می‌کرد. 28 و گاه برخی آیات را طوری با توجّه و تأمل تکرار می‌کرد که گویی هم اکنون آن را از زبان نازل کننده آن می‌شنود. از این رو، آن حضرت در چنین حالاتی متأثر می‌شد. 29

اعتقاد به هدایت بخشی آیات

چهل به موقعیت قرآن، موجب می‌شود که نتوان ارتباط صحیحی با آن برقرار ساخت و با آن انس گرفت و از نور آن روشنایی کسب کرد. بنابراین، شناخت اجمالی نسبت به هادی بودن قرآن، صادق بودن وعده‌ها و وعیده‌های آن، درمان کننده دردهای روحی و سعادت‌بخش بودن آن، شرط اساسی تدبّر در قرآن است؛ چرا که با این شناخت است که شوق به کاوش در مضامین آیات در وجود تلاوت کننده قرآن پیدا می‌شود و در آنها اندیشه می‌کند. از این رو، ائمه‌علیهم السلام در بسیاری از مواقع، بر فواید و آثار و ثمربخشی قرآن تکیه می‌کردند و مردم را بر جهات متنوّع آن آگاه می‌نمودند. 30

آگاهی به معنای آیات

احاطه بر معنای آیات، ولو در حدّ ترجمه صحیح و یا در اختیار داشتن قرآن ترجمه شده مطمئن، از شرایط دیگر تدبّر در آیات قرآن است. همان طوری که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

أَلْمُقْرِئُ بِلَا عِلْمٍ كَالْمُعْجَبِ بِلَا مَالٍ وَلَا مُلْكٍ 31؛ قرائت کننده بدون علم و آگاهی، مثل کسی است که بدون مال و ملک از خود راضی باشد.

وسیله دانستن الفاظ آیات

الفاظ آیات قرآن، معبر رسیدن به معانی عمیق و هدایت‌بخش هستند؛ بنابراین، اگر تمام همّت قاری، خوب ادا کردن و گرفتار شدن در دام الفاظ، قرائت‌ها و لحن‌های زیبا شود، از تدبّر در معنای آن می‌ماند و از پل عبارت به مقصد معنا نمی‌رسد. بدان گونه که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: من إنْهَمَكَ فِي طَلَبِ النَّحْوِ، سَلَبَ الْخُشُوعَ 32؛ کسی که تمام کوشش خود را در راه طلب نحو صرف کند، از خشوع محروم می‌شود.

دل دادن به پیام‌های قرآن

شرط دیگر تدبّر در قرآن، دل دادن به آیات قرآن و خالی کردن قلب از آلودگی‌ها، از جمله تعصّب و پیش فرض‌های

غیر الهی در مواجهه با قرآن می‌باشد. چرا که نسبت تدبّر و قلب انسان، نسبت راه و چشم است. همان طوری که اگر کسی چشم نداشته باشد، به چاه می‌افتد، کسی که قلب او مریض باشد نمی‌تواند تدبّر کند و از هدایت قرآن استفاده کند. 33

از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام نقل شده که در تفسیر آیه ام علی قلوب اقفالها 34 فرموده‌اند که: هیچ ذکری به قلب آنها نمی‌رسد و حقیقتی برای آنها کشف نمی‌شود. 35

همان طوری که دل دادن و به عبارتی، زنده دلی و دارا بودن قلبی سالم و عاری از هرگونه جهالت و کوری، موجب فراهم شدن زمینه تدبّر در قرآن می‌شود، دل مردگی و کوری دل نیز از عوامل عدم تدبّر در قرآن می‌شود. حضرت زهرا علیها السلام یکی از ریشه‌های عدم تدبّر در قرآن را، همین مسئله معرّفی می‌کند. چرا که مرگ دل و کوری قلب، موجب بسته شدن دریچه قلب بر روی نور علم و ایمان می‌شود و کسانی که با سوء اختیار خود از علم و ایمان محروم می‌شوند، از معارف قرآنی نیز گریزان می‌شوند و از تدبّر در قرآن و کشف حقائق از آن، دوری می‌کنند و گرفتار هلاکت می‌شوند و حقوق را ضایع کرده، جامعه را به انحراف می‌کشانند. حضرت فاطمه علیها السلام در جریان ضایع کردن حق ولایت و خلافت علی‌علیه السلام از ناحیه گروهی از مردم، به این حقیقت چنین تصریح می‌فرمایند:

هان! سوگند به خدا! اگر حق را برای اهلش وا می‌گذاشتند و پیرو خاندان پیامبر خدا می‌شدند، هیچ گاه دو تن اختلاف نمی‌کردند، و این حکومت، نسل به نسل، میان اهلش می‌گشت و آیندگان از گذشتگان به ارث می‌بردند تا قائم ما که نهمین فرزند از نسل حسین‌علیه السلام است، قیام کند. اما پیش داشتند آن را که خدا پس زده بود، و پس داشتند آن را که خدا پیش داشته بود، تا آنگاه که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را در گور نهادند و به گودال قبر سپردند، به دلخواه خود کسی را برگزیدند و به رأی خویش عمل کردند. مرگشان باد! مگر سخن خدا را نشنیدند که گوید: و ربّک یخلق مایشاء و یختار، ماکان لهم الخیرة 36؛ و پروردگار دوست که می‌آفریند و بر می‌گزیند آنچه خواهد، آنان را (حق) گزینش نیست.؟ چرا، شنیدند؛ اما کوردلند چنانکه خدای سبحان فرموده: فانّھا لاتعمی الأبصار ولکن تعمی القلوب الّتی فی الصّدر 37؛ دیده‌ها کور نیست، بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست، کور است و چه دور است! آرزوهای خود را در دنیا گسترده و مرگ خویش را از یاد بردند، هلاکتان باد! 38

شیوه تدبّر در قرآن

آنچه متناسب با نوشتار حاضر در مورد شیوه تدبّر در قرآن است، آن است که قاری قرآن بعد از فراهم کردن لوازم و شرایط تدبّر در قرآن، هنگام تلاوت آیات مربوط به سرگذشت گذشتگان از ملل و اقوام ظالم، آیات مربوط به رذائل و فضائل و آثار آنها و نیز آیات مربوط به کیفر و پاداش اعمال مردم، به عرضه باورها، منش‌ها، رفتارها و گفتاری خود بر آیات قرآن می‌پردازد تا میزان صحت و درجه سلامت آنها را تشخیص دهد و بنابر آن، به عقائد صحیح دست پیدا کند و رفتار و گفتاری متناسب با خواسته‌های قرآن انتخاب کند، فضائل را گرفته، خود را مزین به آنها گرداند و رذائل و آثار سوء آنها را شناخته، از آنها دوری کند و پیوسته در این راه قدم بردارد تا هر روز به کمالی از کمالات معنوی دست پیدا کند و در راه قرب الهی، قدم راسخ بردارد. علی‌علیه السلام در خطبه همام در وصف متّقین در برخورد با قرآن چنین می‌فرماید:

چون شب شود (برای نماز) برپا ایستاده آیات قرآن را با تأمل و اندیشه می‌خوانند. و با خواندن و تدبّر در آن، خود را اندوهگین می‌سازند و به وسیله آن به درمان درد خویش کوشش می‌کنند (از خواندن و عمل به قرآن چاره

رهایی از عذاب و سختی قیامت را می‌جویند). پس هرگاه به آیه‌ای برخوردند که شوق دهنده و امیدساز باشد، به آن شوق پیدا می‌کنند؛ مانند آنکه پاداشی که آیه از آن خبر می‌دهد، در برابر چشم ایشان است و آن را می‌بینند و هرگاه به آیه‌ای برخوردند که در آن ترس و بیم است، گوش دلشان را به آن می‌گشایند، چنانکه گویا شیون و فریاد (اهل) دوزخ در بیخ گوش‌هایشان است. 39

آثار تدبّر در قرآن

گرایش به خوبی‌ها

علی‌علیه السلام می‌فرماید: لَاحِيزَ فِی قِرَاءَةِ لَا تَدْبُرُ فِیْهَا 40؛ در قرائتی که تدبّر نباشد، هیچ خیری نیست.

از این روایت استفاده می‌شود که اگر همراه قرائت قرآن، تدبّر در آیات نیز در کار باشد، قاری قرآن به خیر نائل

می‌شود و خیر عبارت است از گرایش به خوبی‌ها. 41

علامه طباطبایی می‌گوید: اصل در معنای خیر، انتخاب است و ما چیزی را خیر می‌دانیم که قبلاً آن را با چیز دیگر مقایسه کرده‌ایم و آن را انتخاب و گزینش می‌کنیم. و ما وقتی یکی از دو چیز را انتخاب می‌کنیم که مورد طلب ما

بوده، طبیعت ما را به سوی خود بکشاند. 42

بنابراین، هر کس در آیات قرآن تدبّر کند، کم‌کم نسبت به خوبی‌ها گرایش پیدا می‌کند. و طبعاً به آنها ملتزم شده، به خوبی‌ها و کمالات نائل می‌شود.

کسب آگاهی و حق‌شناسی

تلاوت همراه با تدبّر، موجب زیادی علم و کشف مسائل دینی و اطلاع پیدا کردن بر حکمت‌ها و اسرار مخفی و

شناخت حقوق خداوند، ائمه‌علیهم السلام و دیگر صاحبان حق است. از این رو، برخی از فقیهان ثواب تدبّر در

قرآن را، از ثواب نمازهای مستحبّی بالاتر دانسته‌اند. 43

از امام باقر و امام صادق‌علیهما السلام نقل شده است که در تفسیر آیه أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ 44، فرمودند: یعنی

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ فَيَقْضُوا مَا عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَقِّ 45؛ یعنی چرا در قرآن تفکّر نمی‌کنند تا هر حقّی که بر آنان است، درک کنند؟

و نیز از امام صادق‌علیه السلام نقل شده است که فرمود: ای مفضّل! اگر شیعیان ما در قرآن تدبّر می‌کردند، در

فضیلت ما شک نمی‌نمودند. 46

پاورقی ها :

1. انّ هذا القرآن يهدي للّتي هي اقوم. (اسراء / 17)

2. امام صادق(ع): لقد تجلّى الله لخلقه في كلامه و لكنهم لا يبصرون؛ خداوند در کلامش (قرآن) برای خلقتش ظهور کرده است ولی آنها بصیرت ندارند.

(بحارالانوار، ج 89، ص 107، مؤسسه الوفاء، بیروت، 1403 ق.)

3. وسائل الشیعه، ج 2، ص 32 (20 جلدی، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت).

4. شرح اصول کافی، ج 5، ص 171، ملا صالح مازندرانی، متوفای 1081 ق.

5. مفردات راغب، واژه دبر؛ المیزان، ج 5، ص 26 (20 جلدی عربی)؛ تفسیر نمونه، ج 4، ص 27.

6. حجة التفاسیر، ج 2، ص 58؛ تفسیر خسروی، ج 2، ص 250؛ تفسیر عاملی، ج 3، ص 45؛ تفسیر نمونه، ج 4، ص 27.
7. نساء / 82؛ محمد / 24.
8. غرر الحکم.
9. بقره / 121.
10. در قرن‌های اوّل اسلام برای یادگیری و حفظ آیات، آیات قرآن را به پنج آیه، پنج آیه و ده آیه، ده آیه، بخش کرده بودند، از این رو به آیات، اعشار و اخماس تعبیر می‌شد.
11. ص / 29.
12. مجمع البحرین، طریحی، ج 1، ص 294، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1408 ق.
13. ر.ک: نساء / 82؛ مؤمنون / 47 و 48.
14. الحقائق الناطرة، محقق بحرانی، ج 1، ص 31، انتشارات جامعه مدرّسین، (25 جلدی).
15. تسنیم، عبدالله جوادی آملی، ج 1، ص 39، مؤسسه اسراء.
16. اصول کافی، ج 4، ص 400، انتشارات علمیه اسلامیّه.
17. نهج البلاغه، صبحی صالح، خ 110.
18. مزمل / 4.
19. اصول کافی، ج 4، ص 418.
20. همان، ص 422.
21. ر.ک: همان، ص 400؛ بحارالانوار، ج 89، ص 32؛ نهج البلاغه، خ 174 و نهج البلاغه، صبحی صالح، خ 110.
22. بحارالانوار، ج 89، ص 207.
23. حمد / 3.
24. تفسیر نورالثقلین، ج 1، ص 19.
25. مستند الامام الرضا(ع)، ج 1، ص 34.
26. بحارالانوار، ج 89، ص 210.
27. همان، ص 194 و 195.
28. تفسیر نورالثقلین، ج 1، ص 19.
29. میزان الحکمه، ج 5، ص 385.
30. ر.ک: نهج البلاغه، خ 176؛ اصول کافی، ج 4، ص 398.
31. مستدرک الوسائل، ج 4، ص 252، مؤسسه آل‌البیت.
32. همان، ص 279.
33. تقریب القرآن، ج 26، ص 71.
34. محمد / 24.
35. تفسیر کنز الدقائق، ج 12، ص 241.
36. قصص / 68.
37. حجّ / 46.

38. بحارالانوار، ج 36، ص 353.
39. نهج البلاغه، فيض، خ 184.
40. بحارالانوار، ج 75، ص 75.
41. مفردات راغب، واژه خير.
42. الميزان، ج 3، ص 132.
43. مشارق الشموس، محقق خوانساری، ج 2، ص 503 (2 جلدی)، آل البيت.
44. محمد / 24.
45. بحارالانوار، ج 89، ص 65.
46. همان، ج 53، ص 26.